

گزارش

آدرس خانه های شهرداری پیدا نشد

دریاچه چیتگر آب رفت

زهرا شمس‌احسان نیز در جلسه روز گذشته، در تذکری به جانش‌های دریاچه چیتگر اشاره کرد و یادآور شد: کاهش منابع آبی و سطح آب دریاچه به دلیل نبود مدیریت جامع و کارآمد، تهدیدی جدی برای اکوسیستم منطقه ایجاد کرده است. این مسئله نه‌تنها به حیات گیاهی و جانوری آسیب زده، بلکه جذابیت گردشگری را نیز به‌شدت کاهش داده است.

او ادامه داد: تجهیزات تفریحی موجود در مجموعه فاقد استانداردهای لازم ایمنی هستند و بسیاری از آنها به‌روزرسانی نشده‌اند. درعین‌حال، زیرساخت‌های هوشمند برای مدیریت و نظارت بهینه بر مجموعه نیز ناکافی بوده و موجب بروز مشکلات ایمنی شده است.

برخی اعضا کاری جز مصاحبه نکرده‌اند

محمد آخوندی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران نیز از هیئت‌رئیس شورای شهر تهران درخواست کرد ارزیابی دقیق و تخصصی‌ای از رفتار نمایندگان در دوره مسئولیت داشته باشند تا زمینه‌ای ایجاد شود که مردم در پایان یک دوره چهارساله بتوانند برای انتخاب‌های بعدی درست تصمیم‌گیری کنند.

آخوندی تصریح کرد: وقتی نماینده‌ای به وظایف خود عمل می‌کند اما هیچ فضاسازی رسانه‌ای انجام نمی‌دهد، نباید با نماینده‌ای که کار خاصی در چهار سال انجام نداده و تأثیری بر روند کار شوروی شهر نداشته ولی فقط مصاحبه کرده و ادای افراد دلسوز را درآورده است، یکسان تلقی شود. این نماینده را نمی‌توان به‌عنوان نماینده خوب شناخت و عملکرد دوستان دیگر را نادیده گرفت.

میزبانی به سبک شورای شهر تهران

روز گذشته رئیس کانون سردفتران و دفتریاران قوه قضائیه به سخن شوری شهر تهران دعوت شده بود. در جریان صحبت‌های او، جز چند عضو باقی اعضای شورا در جمع‌های دو و سه‌نفره در حال صحبت بودند و توجهی به سخنان مهمان سخن نمی‌کردند. باین‌حال، علی خندانی، رئیس کانون سردفتران و دفتریاران قوه قضائیه، در صحن از ساختمان‌های بدون سند شهردار تهران گفت. او در توضیح قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول گفت: در پایتخت با ساختمان‌ها، شهرک‌ها و برج‌هایی مواجه هستیم که فاقد سند مالکیت هستند و مشکلاتی بسیار جدی برای مردم ایجاد کرده‌اند. حدود ۴۵ درصد از پرونده‌های قضایی به دلیل نبود اسناد رسمی است و با اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، اتفاق و انقلاب بسیار بزرگی در کشور اتفاق می‌افتد.

او ادامه داد: در منطقه ۲۲، مرتضی‌گرد، اسلامشهر و تهرانپارس املاکی داریم که فاقد سند مالکیت هستند و اگر این املاک سنددار شوند، می‌توانند در رفع مشکلات این بخش‌ها اثرگذار و ویژه‌ای داشته باشند. در جلسه روز گذشته شورای شهر تهران، گزارش حسابرس رسمی شورا درخصوص حسابرسی ستاد مرکزی معاینه فنی خودرو برای سال مالی ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت و بندهای تکلیفی آن تأیید شد.

در جریان بررسی این گزارش، محمدمهدی میرزایی‌قمی، مدیرعامل ستاد معاینه فنی خودروهای تهران گفت: درخواست ما این است که در قالب طرح یا لایحه از سوی شهرداری و شورا، اخذ طرح ترافیک مبتنی بر معاینه فنی در مراکز شهر تهران شود، چراکه ۳۷ درصد مراجعه به مراکز رقم بسیار پایینی است.

میرزایی‌قمی، مدیرعامل ستاد معاینه فنی خودروهای تهران، در گزارش ارائه‌شده به تفاوت درخور توجه میان نرخ فعلی معاینه فنی و هزینه‌های واقعی اشاره کرد و گفت: نرخ فعلی معاینه فنی خودروهای سبک در تهران ۹۲ هزار تومان است؛ درحالی‌که برآوردها نشان می‌دهد نرخ واقعی این خدمات باید حدود ۴۲۰ هزار تومان باشد. با توجه به افزایش هزینه‌ها و عدم تطابق نرخ‌ها، اگر این فاصله اصلاح نشود، شرکت با زبان‌های بیشتری مواجه خواهد شد.

جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل نیز پیشنهاد داد از تجهیزات هوشمند مانند دوربین‌های پلاک‌خوان استفاده شود تا خودروهای فاقد معاینه فنی به‌طور اتوماتیک شناسایی و جریمه شوند.

در این جلسه، بندهای تکلیفی گزارش حسابرسی شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران برای سال ۱۴۰۲ مورد تأیید اعضای شورا قرار گرفت.

سعید بیگی، مدیرعامل شرکت صنایع و مشاغل شهر تهران، در حاشیه سخن شورای شهر تهران، در پاسخ به خبرنگاران با اشاره به شناسایی ۲۰ نقطه بحرانی در تهران برای دست‌فروشی، از برخورد نیروی انتظامی با مافیای دست‌فروشی در محور چهارراه ولیعصر تهران خبر داد.

مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران ادامه داد: برای دست‌فروشان واقعی نیز بازاری ایجاد شد که رفته‌رفته شکل واقعی خود را می‌گیرد. البته در خلال اجرای این طرح، اقداماتی از طرف مافیای دست‌فروشی انجام شده که با برخورد نیروی انتظامی مواجه شد. ۱۱۰ دست‌فروش واقعی شناسایی شد و در حال حاضر در این بازار مستقر شدند و کار خود را آغاز کردند.

روز گذشته گزارش حسابرس رسمی شورا درخصوص حسابرسی «شرکت بهره‌برداري راه‌آهن و حومه برای سال مالی ۱۴۰۲» نیز بررسی شد. در جریان بررسی این گزارش، جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شوروی شهر تهران، درباره بحث تبلیغات در شرکت بهره‌برداري متروی تهران گفت: مطابق با مصوبه شوروی شهر تهران، تبلیغات شرکت مترو به سازمان زیاسازی واگذار شده است و بر اساس آن ۱۰ درصد از مبلغ باید به سازمان زیاسازی داده می‌شد و مابقی برای کمک به هزینه‌های شرکت بهره‌برداري پرداخت می‌شد. اما شاهد این هستیم که برخلاف مصوبه شوروی شهر تهران، تبلیغات شرکت بهره‌برداري به مؤسسه همشهری داده شده و مؤسسه همشهری نیز تنها چهار تا پنج درصد از مبلغ پیش‌بینی درآمد تبلیغات را به شرکت بهره‌برداري مترو برگردانده است؛ یعنی در اینجا هم قراردادی غیرقانونی منعقد شده و هم مبلغی که حق شرکت بهره‌برداري بوده، از سوی همشهری پرداخت نشده است.

او با اشاره به احداث خط متروی پرند و هشتگرد گفت: در سال‌های نه‌چندان دور برای مدیرانی که بودجه شهرداری تهران را خارج از شهر هزینه کرده بودند، پرونده قضایی تشکیل شد، اما اکنون شاهدیم که برای هشتگرد و پرند که هیچ ارتباطی به شهرداری تهران ندارند و از لحاظ مالی و حقوق تعیین تکلیف نشده‌اند، هزینه می‌شود که این موضوع جای تعجب دارد.

در نهایت، پس از بررسی‌های انجام‌شده و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده، بندهای تکلیفی این شرکت با اتفاق آرای اعضا مصوب شد.

در حاشیه کتاب «نامه به فلیسه» فرانتس کافکا

کافکا و جنون نوشتن

پیام حیدر قزوینی



نامه به فلیسه فرانتس کافکا ترجمه مصطفی اسلامیة و مرتضی افتخاری نشر نیلوفر

انسان، تا «زمانی که ذهنیت مناسب را دارد» باید از مراد به مردم دیگر خودداری کند، حتی از محبوب‌ترین آنها؛ زیرا زمینی که او بر آن ایستاده، به محض آنکه احساس واقعی نویسنده به جوش آید، به لرزه درمی‌آید: «من اغلب فکر کرده‌ام که بهترین حالت زندگی برای من نشستن در نج‌تیر اتاق تاریک یک سرداب فراخ درسته است... با نوشت‌افزار و چراغ مطالعه‌ای در کنارم... و آن وقت چه خوب خواهم نوشت! از چه اعمالی آن را بیرون خواهم کشید! بدون هیچ تقلا چون تمرکز بی‌نهایت، زحمتی نمی‌طلبم. مشکل این است که شاید نتوانم آن وضع را تا مدتی حفظ کنم و با نخستین شکست- که شاید حتی در چنین شرایطی هم غیرقابل

پرهیز باشد- ناگزیر به ورطه جنونی عظیم کشیده می‌شوم». اریش هلر در مقاله‌اش به رابطه واقعیت و آثار کافکا اشاره کرده است. او می‌گوید کافکا بارها وسوسه می‌شود تا علیه خود جانب دنیا را بگیرد و دنیا گاهی تحت توجهِ او چه خوب از آب درمی‌آید، بی‌اندازه بهتر از آنچه سزاوارش است. هلر نوشته: «نویسنده‌ای که نه مثل هرکس دیگر در خیال خود وحشت‌های عصری را پیش‌بینی کرده است که با جنگ جهانی اول آغاز شد، چنان که باز نامه‌ها نشان می‌دهند، خود جنگ را، به روش عادی بسیاری دیگر که خود را با هر آنچه پیش می‌آید تطبیق می‌دهند، پذیرفت. علاوه بر این، جنگ را فرصتی می‌دانست برای گریز از رنج نبردی غیرواقع که در ذهن و قلبش ادامه داشت، به سوی نبردی که واقعی بود». نامه‌های کافکا سال‌های پردرد مبارزه او را نشان می‌دهند؛ مبارزه‌ای که بخشی از آن مربوط به واقعیت دنیا، ازدواج و کانون خانواده مربوط است. هلر می‌گوید نگاه‌کردن به کلمات و اوقات‌انگیز و در عین حال ترساننده است: «نگاه‌کردن به اینکه آن کلمات، با جلاکلی مسحورکننده و درماندگی حساب‌شده‌شان، نبردی غیرواقعیت از آن، باره‌هایی از واقعیتی را که از طریق این نامه‌نگاری فراهم آورده است، اغوا می‌کند و چگونه حالت توازن بی‌ثبات بین واقع و کلام ادبی را برقرار می‌سازد. و در همه لحظات آن کلمات در مرز آن هستند که خود ادبیات شوند، کلماتی که در اسطوره‌سازی افراط می‌کنند، گاهی به طرز بسیار بدی غمناک و

باز کتاب مضحک می‌شوند». کتاب «نامه به فلیسه» چیزی بیشتر از نامه‌های شخصی کافکا به فلیسه و وجوهی نادیده از او را به نمایش می‌گذارد. الیاس کانه‌تی که از جمله نویسندگانی است که تحت تأثیر کافکا بوده، در کتاب «محاکمه دیگر: نامه‌های کافکا به فلیسه» به سراغ نامه‌های کافکا به فلیسه رفته است. کانه‌تی در این کتاب و به واسطه نامه‌های کافکا به فلیسه، هم به بررسی وجوه شخصیتی کافکا پرداخته و هم تأثیر رابطه او با فلیسه را در رمان «محاکمه» نشان داده است و به این ترتیب این کتاب از جمله منابع معتبر پژوهشی برای شناخت وجوهی از شخصیت کافکا و کندوکاو در رابطه او با فلیسه و تأثیر این رابطه بر رمان «محاکمه» کافکاست. کانه‌تی در بخش اول کتاب با کندوکاو در نامه‌های کافکا به فلیسه برخی از خصیصه‌های شخصیتی و روانی کافکا مثل بیماری هراسی کافکا پرداخته و مدعی مزاج بودن او را برجسته می‌کند که در رابطه‌اش با فلیسه نمود عینی می‌یابد و در بخش دوم کتاب بازتاب آن خصیصه‌ها را در رمان «محاکمه» نشان می‌دهد. این کتاب نیز با ترجمه ناصر غیانی در نشر نو به فارسی منتشر شده است.

عطف

مرداب اقتصاد



شرق: رمان «قلب چرخان» عنوان اثری است از دونال رایان که به‌تازگی با ترجمه هدی طاهری در نشر

کتاب دیادور منتشر شده است. دونال رایان نویسنده معاصر ایرلندی است که در سال ۱۹۷۴ متولد شد و تاکنون برنده جوایز زیادی برای داستان‌های خود شده است، از جمله جایزه ادبیات اتحادیه اروپا، کتاب اول کادین، جایزه ژان-مونه و چهار جایزه کتاب ایرلندی. روزنامه گاردین به او لقب پادشاه موج نو نویسندگان ایرلند را داده است. «قلب چرخان» روایتگر دغدغه‌های کوتاه‌بینانه اما شاید ناگزیر فردفرد اعضای یک جامعه درگیر در مشکلات اقتصادی است که در نهایت همه را در مرداب خود فروری‌بلعد. این کتاب اولین رمان این نویسنده ایرلندی است و او با همین کتاب به موفقیت زیادی دست پیدا کرد و در فهرست نامزدهای جایزه من‌بوکر سال ۲۰۱۳ قرار گرفت. در توضیحات کتاب به این نکته اشاره شده که دونال رایان در سنت غنی ادبیات ایرلند رشد کرده و پشتوانه نویسندگانی مانند جیمز جویس، ساموئل بکت، جان‌اتان سوئیفت و شیموس هنی را دارد. در داستانی که در کتاب «قلب چرخان» روایت شده، می‌بینیم که در پی سقوط اقتصادی ایرلند، تنش‌های پیچیده‌ای در یکی از شهرهای این کشور رخ می‌دهد. به مرور پای خشونت هم به وقایع بازمی‌شود و آدم‌ها در مناظره‌ای با خود و دیگران گرفتار می‌شوند. در «قلب چرخان» تصویری درخور توجه از ایرلند معاصر به دست داده شده و همچنین روایتی از یک نسل هم در آن دیده می‌شود.

بخشش
بنیاد خیریه شنوایی بخشی شفا

خدمات "بخشش"

۱ | کمک هزینه کاشت حلزون شنوایی

۲ | کمک هزینه تأمین، تعویض و تعمیر قطعات

۳ | کمک هزینه توانبخشی

۴ | کمک هزینه پیشگیری
از تولد کودک ناشنوا

متقاضیان عزیز می‌توانند با مراجعه به یکی از مراکز کاشت حلزون شنوایی در سراسر کشور یا سایت «بخشش»، از خدمات این بنیاد بهره‌مند شوند.

شماره گیری کد دستوری از طریق تلفن همراه
۳۵۳۵ * ۷۸۰

شماره کارت جاری نزد بانک پارسیان
۸۲۷۳-۰۷۲۲-۰۶۱۲-۰۶۲۲۱

شماره شبا نزد بانک پارسیان
۰۳-۸۸۶-۰۰۸۸-۰۰۵۱۰-۲۰۱۰-۱۰۲۳-۰۵۴۰-۱۸۶

کمک به "بخشش"

www.bakhshesh.ir

bakhsheshcharity

info@bakhshesh.ir

۰۲۱-۴۰۸۸۰۷۶۱-۲

بیروت ۷۵
غاده السمان
ترجمه سمیه آقاچانی
نشر ماهی

فقر و جنگ و محرومیت

شرق: «آفتاب تند و داغ بود. همه چیز در آن خیابان دمشق له‌له‌زنان عرق می‌ریخت. ساختمان‌ها و پیاده‌روها از هُرم گرمایی که از همه چیز برمی‌خاست تس‌دار می‌لرزیدند. صداها نیز سخت سوخته و خاموش بودند. فرح دمی پنداشت همین حالات که خیابان سراسر از هوش برود». این آغاز داستانی است از غاده السمان با عنوان «بیروت ۷۵» که به‌تازگی چاپ جدیدی از آن با ترجمه سمیه آقاچانی در نشر ماهی منتشر شده است.

غاده السمان شاعر، داستان‌نویس و رمان‌نویس سوری است که به‌ویژه در ایران بیشتر با شعرهایش شناخته می‌شود و این وجه شهرت او البته چندان بیراه هم نیست، چراکه از او به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی و متقدم شعر نو در ادبیات عرب یاد می‌شود. اما غاده السمان رمان‌ها و داستان‌های درخور توجهی هم در کارنامه‌اش دارد. «بیروت ۷۵» نخستین رمان او است که یکی از آثار برجسته ادبیات عرب به شمار می‌رود که در آن تصویری از بیروت در آستانه جنگ داخلی به دست داده شده است. «بیروت ۷۵» چند سالی پیش از شروع جنگ داخلی منتشر شد و از این‌رو برخی منتقدان آن را پیشگویی نویسنده از جنگ دانسته‌اند.

مهاجرت، فقر و محرومیت و فساد نهفته در بیروت و نیز ساختار نابرابر و مناسبات طبقاتی این شهر از جمله مضامینی است که در «بیروت ۷۵» مورد توجه نویسنده بوده‌اند. غاده السمان همچنین به مسئله زنان در جهان عرب و به‌طور کلی سرکوب و استثمار مضاعف زنان هم توجه کرده و این هم یکی دیگر از دلایل اهمیت این رمان است. در بخشی از رمان «بیروت ۷۵» می‌خوانیم: «او پیش‌راننده نشسته بود و دختر بغل‌دستش روی صندلی کنار پنجره. مادر دختر، گریان و بی‌تاب، با او خداحافظی کرد. دختر، که انکار از دست مادر به تنگ آمده بود، نگاهش به راننده انداخت بلکه زودتر حرکت کند. فرح یاد مادرش افتاد. آه که چقدر در لحظه خداحافظی بدش می‌آمد، آن دم که واژه‌های سنگین و چسبناک همچون کندر تفتاده بر زبان می‌آیند. مادرش هیچ‌گاه نمی‌گریست؛ با دست‌های زبرش، که همیشه آغشته به خاک کشتزار بود، چهره‌اش را می‌پوشاند. دلش که بر می‌شد هم همین کار را می‌کرد. بعد آرام می‌نالید، بی‌آنکه اشکی بریزد. فرح ناله مادر را بدشگون می‌دانست. شاید برای همین بی‌خداحافظی گریخته بود! نامه سفارش پدر به نشان، آشنای پولدارشان در بیروت، پشت و پناهش خواهد شد. نکند نامه را کم کرده باشد؟ برای صدمین بار، دستش را به جیب برد و روی آن کشید. ناگهان بادش آمد فراموش کرده ساعت زنگ‌دارش را بی‌آورد و در گنج‌ه را قفل کند. فراموش کرده بود یا نه؟ نمی‌داند. خیالش آسوده نیست. همیشه همین‌طور است. گاهی دیر سر کار می‌رسد، چون وسط راه یادش برمی‌آفتد که فراموش کرده در گنج‌ه‌اش را قفل کند. تمام راه دمشق تا دوما را برمی‌گردد که در را قفل کند، ولی می‌بیند آن را قفل کرده است! همیشه گمان می‌کند در گنج‌ه‌اش را نیست. وقتی برمی‌گردد، می‌بیند آن را دوقله کرده است. آخر چرا برای قفل‌کردن آن گنج‌ه این‌همه جوش می‌زند، با اینکه خوب می‌داند چیزی در آن نیست که کسی را به سوی خود بکشد؟ نمی‌داند».